



رنج گس شکوفایی

مادری که با سخت‌کوشی، خود و فرزندش را به دنیای متفاوتی هدایت کرد

حبیبه برومند، هنرمند خودآموخته کرمانی است. این بانوی با استعداد بدون هرگونه آموزش در هنرهای نقاشی، سفالگری، کار روی چوب، مس و پارچه، مجسمه‌سازی و کولاژ آثار زیادی خلق کرده‌است. شاخه اصلی هنری‌شان نقاشی است که در تمام سبک‌های آن به بلوغ رسیده، به نحوی که امپرسیونیسم یا اکسپرسیونیسم‌شان خاص خودشان است و هیچ‌رگی از تقلید در کارشان نیست. وی آموزگار خود را کتاب‌های بسیاری که خوانده می‌داند و بیشترین تأثیر را از کتاب ژان کریستوف رومن رولان پذیرفته‌است. و در هنر پس از بتهوون بیشترین تأثیر را از ونسان ونگوگ و زندگی او پذیرفته‌است. اولین نقاشی‌اش را در هشت سالگی بدون این‌که بداند استعدادی دارد، کشیده و اولین اثر رنج روغن و چهره را در ۱۳ سالگی آن هم بدون ابزار کامل ترسیم کرده‌است.

رقیه مقبلی

روزنامه نگار

روبه بهبود است، غلیان حس و استعدادشان در این شاخه از هنر به حدی است که بیش از ۴۰۰۰ تا از آثارشان در این سبک خلق شده و نه تنها در ایران بلکه می‌شود گفت در جهان یک گنجینه منسجم کم‌نظیر از هنر درمانگر است.

پس از خلق آثار درمانگر، کنج‌کاو می‌شود که چرا خلق و نگاه کردن این آثار تأثیر خوبی روی احوالاتش دارد، موضوع را به پسرش پویان می‌گوید، پویان آثار مادر را برای تحلیلگران خارج از کشور، به‌ویژه آمریکا می‌فرستد. تحلیلگران به خصوص فیلسوفان هنر و روان‌شناسانی که آثار را می‌بینند، همه شگفت‌زده می‌شوند. پس از آن پیشنهادهای حمایت و همکاری زیادی به‌ویژه از آمریکا دریافت می‌کند، اما علاقه‌اش به کرمان و کویر و و انرژی مثبتی که از مردمان دیار کریمان دریافت می‌کنند، باعث رد کردن این پیشنهادها می‌شود.

خانم برومند توصیه‌شان برای همه انسان‌ها، داشتن حداقل یک هنر در چنته است. هنر را نجات بخش می‌داند ولی هنر مدرنی که به پوچی رسیده رارد می‌کند و نظرشان این است که خلق هنر باید از درون انسان سرچشمه بگیرد. او دورنمای فوق‌العاده‌ای را برای آینده هنری خود پیش‌بینی می‌کند. دلپیش این است کار خودش را که همان حرکت کردن بوده، انجام داده و الان زمان آن رسیده که کائنات کار خودش را انجام بدهد. وی دنیای اکنون را به دلیل مصرف‌گرایی، مد و تجملات سیاه می‌بیند. معتقد است انسان در نهایت به سمت معنویت خواهد رفت و دنیا آبی مایل به بنفش (همان بنفش روحانی) می‌شود و برای رسیدن به این معنویت انسان باید مصرف‌گرایی را کنار بگذارد و به طبیعت بازگردد.

است، مثلاً برای تربیت دومان هر کتابی که مفید بوده را خوانده و هر پزشکی که معرفی شده مراجعه کرده، اما بعد از نتیجه نگرفتن، به آموزش از طریق هنر و بازی روی می‌آورد. دستاورد این فداکاری و تلاش نقض حرف پزشکان درباره دومان است.

داستان فرزندداری خانم برومند، برای تربیت فرزندان شاد و خلاق پر از خلاقت است. یکی از کارهای جالب‌شان طراحی دفتر امتیاز و کارت پول ماهانه بوده‌است. در دفتر امتیاز در راستای نظم، مسؤولیت‌پذیری و آگاهی بچه‌ها، همه کارها و مسؤولیت‌ها یک امتیاز، اما گوش دادن به کتاب خواندن مادر و بیان برداشت‌شان از کتاب، «امتیاز داشته‌است. بچه‌ها در پایان ماه بر اساس امتیازی که در طول ماه کسب می‌کردند، کارت پول برای خرید و وسایل مورد علاقه خود دریافت می‌کردند.

ایشان سال‌ها بعد وقتی با شوک خودکشی دخترش مواجه می‌شود، شور زندگی در او از بین می‌رود و این موضوع او را به شدت درمانده می‌کند. همین استیصال، زمینه‌ساز حرکت او به سمت هنر درمانگر می‌شود. وی بدون شناخت نسبت به این سبک و کارکردش، تنها راه نجات خود را در خلق آثاری می‌یابد که پس از خلق‌شان و نگاه کردن به آنها احساس می‌کند حالش

خانم برومند در نوجوانی دختری اهل مد، پرشور و ساختارشکن و به دلیل مردسالاری گسترده در اطرافش با ازدواج مخالف بوده و این امر را با روح آزاد خود مغایر می‌دانسته‌است. تا این‌که همسرشان آقای بدایت با یک خواستگاری متفاوت که سویه‌های زیباشناختی داشته، نظر ایشان را جلب می‌کند. این زوج صاحب سه فرزند می‌شوند. فرزند اولشان دومان، بر اثر خطای پزشکی دچار معلولیت ذهنی شده، فرزند دومشان پویان دانشجوی دکترای مهندسی کامپیوتر و ریاضی است و فرزند سومشان زویا همانند مادر سرشار از استعداد نقاشی بود. زمانی که دومان متولد می‌شود، پزشکان به او می‌گویند این کودک توانایی حرکت، تکلم و آموزش‌پذیری نخواهد داشت و پیشنهاد می‌کنند که فرزندش را به بهزیستی بسپارد. اما ایشان با اعتقادش به سرنوشت و کائنات و حکیمانه بودن هر اتفاق، نه تنها امیدش را از دست نمی‌دهد، بلکه از کار استعفا و قهرمانانه تمام تمرکزش را وقف تربیت فرزندانش می‌کند.

او رسالت اصلی خود را مادر بودن و تلاش برای بهترین بودن در این نقش می‌داند و هنر و نقاشی را برای این‌که مادر خوبی باشد و بتواند تعادل روحی و فکری خود را حفظ کند، دنبال می‌کند. درباره رشد و تربیت فرزندانش بسیار اهل علم و عمل

مدیرک گواهی موقت فارغ‌التحصیلی اینجانب محمد کروسی فرزند حسن به شماره شناسنامه ۶۲۴۲۵ صادره از مشهد در مقطع کارشناسی رشته الکترونیک صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد به شماره ۷۸۷۷ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از پابنده تقاضا می‌شود اصل مدیرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد به نشانی: انتهای خیابان ۱۷ شهرویر جنوبی، خیابان دانشگاه آزاد بجنورد ارسال نماید.